

بازسازی حکومت اسلامی در اندیشه سید قطب

از نظر سید قطب نقش مردم در نظام سیاسی اسلام (سید قطب شورا را نوع حکومت قطعی اسلامی می داند) این است که ایشان مجریان شریعت را انتخاب کنند اما کسی که به اجرای قانون اقدام می کند قانون گذار نیست و تنها مجری است.



از نظر سید قطب نقش مردم در نظام سیاسی اسلام (سید قطب شورا را نوع حکومت قطعی اسلامی می داند) این است که ایشان مجریان شریعت را انتخاب کنند اما کسی که به اجرای قانون اقدام می کند قانون گذار نیست و تنها مجری است.

در دنیای اسلام، شخصیت های بزرگی ندای آزادی و عدالت خواهی سر دادند و مردم را به بازگشت به اسلام راستین و مبارزه با ستم دعوت کرده اند. یکی از این شخصیت ها مرحوم «سید قطب" است که 47 سال قبل در چنین ایامی به خاطر فریاد اسلام خواهی و مبارزات علیه استعمار کهن انگلیس اعدام گردید.

سید قطب «sayyid Qutb"; در سال 1906 میلادی در روستای موشه از توابع اسیوط مصر که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است، دیده به جهان گشود. پدرش حاج قطب ابراهیم، از محترمان و فعالان اجتماعی محل خود بود. دوران ابتدایی را در همان روستا گذراند و از کودکی به آموختن قرآن پرداخت. وی در سن 10 سالگی حافظ قرآن کریم شد. از آنجا که پدرش عضو حزب «وطني اللواء"; بود، هر هفته جلسات بحث و بررسی مسائل مهم مصر و جهان اسلام در منزلش برگزار می گردید که وی نیز به طور فعال شرکت داشت. در انقلاب 1919 مصر در حالی که بیش از 13 سال نداشت، وی نیز همراه پدر برای مردم سخنرانی می کرد. در سال 1920 برای تحصیل به قاهره رفت و در سن 16 سالگی وارد دانشگاه عبدالعزیز شد و پس از آن به دانشگاه دارالعلوم راه یافت. پس از اتمام تحصیل به استخدام وزارت تعلیم و تربیت در آمد. او نویسنده ای نقاد بود. ابتدا زمانی به نام «اشواک"; (خارها) نوشت و در سال 1939 کارمند وزارت معارف مصر شد. برای تحصیل درباره سیستم های آموزشی بین سال های 1948 تا 1950 با بورسیه تحصیلی به ایالات متحده رفت و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه شمال کلرادو دریافت کرد.

دولت مصر از اعزام سید قطب به آمریکا دو هدف را دنبال می کرد: 1- سید قطب از جامعه علمی و فرهنگی مصر دور شود تا دیگر نتواند اذهان عمومی را متوجه حرکت اسلامی کند. 2- در مدت اقامت خود در آمریکا تحت تاثیر فرهنگ غرب قرار گیرد. سفر او به آمریکا نه تنها وی را از هدف و آرمان هایش دور نکرد، بلکه مصمم تر شد تا با پدیده استعمار بجنگد. (خالدی ص 88)

اولین اثر نظری مهم اش در حوزه نقد اجتماعی به نام «عدالت اجتماعی در اسلام"; در خارج از کشور در سال 1949 منتشر کرد. او در آمریکا از مسائلی مانند نژاد پرستی، مادی گرایی، آزادی فردی، سیستم اقتصادی، ابتذال، ممنوعیت، طلاق، اختلاط حیوانی جنسیت ها، به شدت انتقاد می کرد.

سید قطب بر پایه آیات قرآن مجید در تفسیر "فی ظلال القرآن" مردم را به اطاعت از اولی الامر فرا می خواند، ولی اطاعت از نظر وی به معنای اطاعت از هر کسی که بر منصب امارت تکیه می زند، نیست. به این معنا که اطاعت از حاکم به دلیل حاکم بودن وی ضروری نخواهد بود، بلکه اطاعت از او در صورتی که حاکم از قوانین اسلام پیروی می نماید، واجب است. چنانچه حاکم اسلامی از قانون الهی عدول کند به هیچ وجه شایسته اطاعت نیست و دستوراتش نباید اجرا شود.

سید قطب در سال 1953 از خدمات دولتی استعفاء داد و به اخوان المسلمین پیوست. وی در این دوره همزمان با آغاز تفکر درباره حرکت اسلامی و انقلابی با نشریاتی چون کتاب المصری، کتاب السواری همکاری داشت. مقالات او در مورد انتقاد از استعمار و همکاری دولت با آنان و همچنین به منزله دعوت از مردم برای انقلاب، تشکیل حکومت اسلامی و تغییر حاکمیت بود.

در واقع جمعیت اخوان المسلمین مهم ترین جمعیت یا تشکل اسلامی عربی بود که علیه استعمار و استبداد فعالیت داشت. این جمعیت که در سال های 1930 تا 1960 م فعالیت سیاسی شدیدی داشت در بیشتر کشورهای عربی فعال بودند. ولی مغز اصلی آن در مصر و پایه گذار بنیادین این جمعیت «حسن النباء"; بود. یکی از دغدغه های مهم جمعیت اخوان المسلمین، مسئله فلسطین بود تا جایی که در سال 1948 میلادی این جمعیت به کمک ملت فلسطین شتافت. مقالات تند و صریح او باعث شد که در سال 1954 میلادی دستگیر و از سوی دولت ناصر به پانزده سال زندان محکوم شود که در زندان تفسیر «فی الضلال القرآن"; را نوشت. بعد از پنج سال که در زندان بود، مریض شد و این مریضی سبب گردید رهبران اخوان المسلمین از عبد السلام عارف، رئیس جمهور وقت عراق جهت آزادی او از دولت مصر وساطت نمایند که عارف هم وساطت کرد و سید قطب آزاد شد. پس از آزادی از زندان مجدداً به فعالیت های انقلابی خود علیه دولت ادامه داد تا اینکه در سال 1965 دوباره دستگیر و زندانی شد. گروه

های کمونیستی مصر که به شدت با افکار سید مخالف بودند، بر دولت فشار وارد نمودند تا اینکه سید اعدام شود. نتیجتاً در تاریخ 9 آگوست 1966 به فرمان جمال عبدالناصر به اتهام توطئه علیه رژیم ناصر محاکمه و اعدام گردید. (جوادی: 100).

اندیشه سید قطب را می توان براساس نظریه بحران اسپریگنز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نظریه بحران اسپریگنز به مثابه یکی از مهم ترین روش های فهم اندیشه سیاسی، دارای چهار مرحله است:

1. مشاهده و بازشناسی مشکل

2. تحلیل و جست و جو در خصوص علل بحران

3. بازسازی آرمانی جامعه سیاسی

4. ارائه درمان

در کاربرد این نظریه می بایست به چند مساله توجه نمود: تفاوت ارتباط اندیشه و زمانه به نظریه بحران، انسجام نظریه سیاسی، اثبات ارتباط نظریه سیاسی با بحران زمانه، زمینه گرا بودن اندیشمند، مسئله شبه-گرایی، تفاوت نظریه بحران با جامعه شناسی معرفت.

پرسش این مقاله این است که چگونه سید قطب بحران سامان سیاسی را دلیل یابی می کند و برای برون رفت آن چه تجویز آرمانی ارائه می دهد؟

فرضیه پژوهش بر اساس الگوی جستاری «اسپریگنز؛ چنین است: در اندیشه سید قطب بحران، انحطاط جامعه اسلامی، استبداد ناسیونالیستی و استعمار است و دلیل بروز آن جدایی حکومت از حکمت و آرمان او پیوند حکومت با حکمت و راه حل نیز بازسازی حکومت اسلامی می باشد.

در مرحله اول شناسایی مشکل یا بحران: از دیدگاه سید قطب مشکل یا بحران زمانه چه بوده است؟

مشکل را در امور زیر می توان مورد بررسی قرار داد.

پس از آزادی از زندان مجدداً به فعالیت های انقلابی خود علیه دولت ادامه داد تا اینکه در سال 1965 دوباره دستگیر و زندانی شد. گروه های کمونیستی مصر که به شدت با افکار سید مخالف بودند، بر دولت فشار وارد نمودند تا اینکه سید اعدام شود. نتیجتاً در تاریخ 9 آگوست 1966 به فرمان جمال عبدالناصر به اتهام توطئه علیه رژیم ناصر محاکمه و اعدام گردید.

(1) سید قطب «مرد اندیشه بود و کوشید اندیشه سیاسی خویش را در مصر به اجرا در آورد، زیرا معتقد بود در جامعه ای که دولت اسلامی ندارد، به اسلام عمل نمی گردد، حدود و دستورات اسلام نادیده گرفته می شود و با عقیده مسلمانان واقعی مخالفت می گردد. چنین جامعه ای جاهل و دارالحرب است. از نظر سید قطب حتی اگر در آن جامعه مسلمانان صاحب مال خویش باشند، وظیفه مسلمانان در مقابل چنین جامعه ای دست زدن به جنگ آزادی بخش برای براندازی دولت است و اگر جنگ آزادی بخش ممکن نباشد، چاره ای جز تن دادن به صلح دولت جاهلی وجود ندارد. (همان، 120) از دیدگاه سید قطب جامعه به دو نوع جاهلی و اسلامی تقسیم می شود. او در این زمینه می گوید: امروز در جاهلیتی به سر می بریم که هنگام ظهور اسلام وجود داشت. بلکه تاریک تر از آن، تمامی آنچه در اطراف ما است جاهلی است. وظیفه ما این است که اولاً تحولی در درون خود به وجود آوریم تا براساس آن بتوانیم جامعه را دگرگون کنیم. پس از دیدگاه او جامعه جاهلی، جامعه ای است که به اسلام عمل نمی کنند و جامعه اسلامی، جامعه ای است که در تمامی ابعاد عقیده و عبادت، شریعت و احکام، سلوک و اخلاق اسلامی در آن محقق یافته است.

(2) بحران دیگری که در اندیشه سید قطب وجود داشت و جامعه اسلامی را به انحطاط می کشاند، استعمار گران بودند. آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای استعمار گر باعث آزار و شکنجه مسلمین شدند. به همین دلیل او معتقد است که هرگونه معاهده و همکاری با آنها نامشروع است و البته مردم مسلمان حق ندارند که در عمل نامشروعی با دولت همکاری کنند، بلکه باید به هر وسیله ای که مقدور باشد دولت را از ارتکاب هر عمل حرامی باز دارند (سید قطب 1369: 141). سید قطب نسبت به جنبش یهود و صهیونیسم شدیداً بدگمان بود و آن را عامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان می دانست (بی نام 1386: 55).

(3) سید قطب آفت بزرگ جوامع اسلامی را ملی گرایی می دانست و معتقد بود تا وحدت مسلمانان جهان حاصل نشود، امپریالیسم غرب بر منابع مالی مسلمانان در مقابل وحدت آنان قرار خواهد گرفت. در واقع این اندیشه او در مقابل اندیشه ناسیونالیسم عربی ناصر قرار داشت. سید قطب همانند سید جمال الدین اسد آبادی بر مرز جغرافیایی محدود اعتقاد نداشت و معتقد بود هر جا مسلمانی هست، آن جا قلمرو اسلام است. حتی او در جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران طی نامه ای به آیت الله کاشانی از این تفکر حمایت کرد. (مجله اندیشه تقریب: شماره 4)

در مرحله دوم، تحلیل و جستجو در خصوص علل بحران است که سید قطب جدایی حکومت از حکمت را علت اصلی این بحران ذکر می کند.

سید قطب معتقد بود که باید تمدن اسلام دوباره احیاء شود. هدف ایدئولوژی اسلام، ایجاد امکان برای حفظ شرافت و احترامی که در خور ایشان برای تمام ابنا بشر است، می باشد. اسلام برای امروز و فردای نوع بشر و بازیابی ارزش و شرف راستین آن دارای هدف و برنامه ای است تا بلندی مقام و علو مرتبه یابد و از جاهلیت و زندگی جاهلی که او را در مرحله ای از خواری و پستی حیوانی نگاه داشته، نجات دهد. حال فرقی ندارد که زندگی ملت های پیشرفته صنعتی و مادی و یا زندگی عصر جاهلی ملل عقب مانده باشد.

انسان هرگز به هدف اصلی که به آن اشاره شد، نائل نخواهد آمد، مگر دورانی که تمدن اسلامی پایه گذاری شود. بنابراین لازم است، آنچه را که بدان به عنوان تمدن اسلامی توجه و ایمان داریم، روشن گردد و آن رسیدن به تمدن اسلامی در سایه عمل به مفاهیم درست اسلامی می باشد که در آن در صورت انسان می تواند از تسلط و چیرگی اوضاع اجتماعی رهایی یابد و خود را از چیرگی محیط نجات دهد.

از دید او مؤمن می تواند با استفاده از ایدئولوژی اسلام بکوشد تا در تمام زمینه ها، اصل خلافت و جانشینی را محقق ساخته و امانت دار الهی باشد. درحالی که در جامعه جاهلی (که به احکام اسلام عمل نمی شود) او در سرزمینی که هرگز به او امکان پیشرفت در چنین عرصه ای را نمی دهد، دست بسته و محکوم است. تمدن اسلامی نه تنها با هیچ پیشرفتی مخالف نیست، بلکه ممکن ترین راه برای زیست انسانی در هر مکان و جامعه ای را در دسترس قرار می دهد.

سید قطب معتقد بود که باید تمدن اسلام دوباره احیاء شود. هدف ایدئولوژی اسلام، ایجاد امکان برای حفظ شرافت و احترامی که در خور ایشان برای تمام ابنا بشر است، می باشد. اسلام برای امروز و فردای نوع بشر و بازیابی ارزش و شرف راستین آن دارای هدف و برنامه ای است تا بلندی مقام و علو مرتبه یابد و از جاهلیت و زندگی جاهلی که او را در مرحله ای از خواری و پستی حیوانی نگاه داشته، نجات دهد.

سید قطب معتقد است باید، حکمت را از طریق جامعه هموار کرد تا بتوان بر مشکلات فائق آمد. عزم و اراده سید قطب بر بازگشت به صدر اسلام و تشکیل حکومت براساس حکمت بوده است و حکمت همان اصول اسلام نبوی است.

در مرحله سوم بحث بازسازی آرمان جامعه سیاسی می باشد که سید قطب پیوند حکمت با حکومت را آرمانی خود می داند. از این طریق تفاوت بین جامعه جاهلی و جامعه فاضله روشن می شود.

وقتی حکومت براساس حکمت باشد عمل به احکام اسلام عینی می شود و زمینه برای مبارزه با استکبار و استعمار فراهم می شود؛ به همین دلیل، سید قطب به حکومت مصر که دارای افکار ناسیونالیسم عربی است به دلیل نبود حکمت می تازد. وی می گوید: «؛ اگر رهبران مصر در اظهار ایمان به اسلام صادقند، باید تمام عقاید نبوی نظیر سوسیالیسم را به دور افکنند؛ زیرا اسلام با سوسیالیسم هیچ سازشی ندارد. به عبارتی سوسیالیسم بر تصوراتی چون رفاه اجتماعی و خوشبختی مادی تکیه می کند و از رستگاری معنوی غافل است، ولی اسلام هرگز از همبستگی های مادی و معنوی زندگی بشر غافل نبوده است «؛ و بالعکس منابع و امکانات لازم را برای سازگاری با اوضاع و احوال جدید اجتماعی دارد (حاج سید جوادی 198-188).

شد، ولی اطاعت از نظر وی به معنای اطاعت از هر کسی که بر منصب امارت تکیه می زند، نیست. به این معنا که اطاعت از حاکم به دلیل حاکم بودن وی ضروری نخواهد بود، بلکه اطاعت از او در صورتی که حاکم از قوانین اسلام پیروی می نماید، واجب است. چنانچه حاکم اسلامی از قانون الهی عدول کند به هیچ وجه شایسته اطاعت نیست و دستوراتش نباید اجرا شود. (همان 191).

و در مرحله چهارم، راه حل یا درمان بحران در اندیشه سید قطب کدام است.

او در کتاب «؛ معام فی الطريق «؛ پس از تقسیم جامعه به جاهله و فاضله، راه حل درمان را در تشکیل یا بازسازی حکومت اسلامی، حکومتی که شریعت را اجرا کند، می داند. او علاوه بر مباحث پر بار خود در باب آئین و عدالت اسلامی در تبیین

شیوه حکومت اسلامی بر پایه های حکومت اسلامی نظام مالی حکومت اسلامی، سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی و ... اشاره کرده است و با نگاه زیرکانه اش تمامی این موارد را بیان کرده و به گمان خود مطلبی را فرو نگذاشته است. از طرف دیگر در دوره ای که سید قطب می زیست، افکار چپگرانه به اوج خود رسیده بود. در این دوره جوانان بدون آگاهی از کنه و واقعیت اسلامی فریب می خوردند و جذب شعارهای انقلابی کمونیست ها شدند. سید قطب در این مقطع نیز به وظیفه خود عمل کرده و استدلال افکار کمونسیم را تجزیه و تحلیل و نقد کرد که بسیار هم مفید بوده است. هم چنان که در این بررسی خواهیم دید سید قطب به خاطر دیدگاه خاص مذهبی اش که سئی بود، به بحث درباره حکومت اسلامی می پردازد. سید قطب در زمینه ضرورت وجود دولت صحبتی به میان نیاورده و تنها توضیح می دهد که چرا باید از بین تمام حکومت ها، حکومت اسلامی داشته باشیم. سید قطب ضمن اشاره به این مطلب که هر نظامی با توجه به مشکلات دوره خود به وجود می آید و در واقع هر نظامی باید پاسخگوی نیازهای اجتماع خود باشد و هم چنین با ذکر مقدماتی از آئین اسلامی و عدالت اسلامی چنین می گوید که: نخست یک جامعه اسلامی که در آن قوانین و اصول اسلامی حکمفرما باشد، تشکیل دهید آنگاه خواهید دید که اسلام چگونه حکومت خواهد کرد (سید قطب، 1370، ص 48). از دیدگاه سید، حاکمیت و جامعه ای متمدن، دارای شش ویژگی است:

سید با شناخت و درکی که از اسلام دارد، راه مبارزه و جهاد را مطرح می کند. او معتقد است اصولاً اسلام بر اساس و جوهر خود، جنبش آزادی بخشی است که نخست دل افراد و سپس اجتماعات بشری را اصلاح و آزاد می سازد. از نظر سید قطب امکان ندارد که مردم اسلام را به عنوان عقیده و طریق بپذیرند ولی ظلم و ستم و جنایت را هر چند در قالب قانون و نظام باشد، قبول کنند.

اول: جامعه ای متمدن است که در آن خدا به تنهایی حاکم است. این حاکمیت در برتری و اجرای شریعت الهی متمثل است و این تنها در صورتی است که بشر در آن از عبودیت افراد دیگر کاملاً و حقیقتاً آزاد می شود. البته این شریعت فقط در احکام قانونی خلاصه نمی شود بلکه به ارزش ها و موازین، عادات و تقالید نیز بر می گردد.

دوم: جامعه ای متمدن است که اجتماع در آن براساس عقیده، آیین، اندیشه و راه زندگانی باشد و این امور همگی از معبودی واحد صادر شده باشند و اما اگر جامعه بر اساس نژاد و رنگ و قومیت و محدوده جغرافیایی اجتماع کرده باشند [چنین جامعه ای متمدن نیست] و تنها جامعه ای که بر اساس عقیده و اندیشه شکل گرفته است، اجتماع اسلامی است.

سوم: جامعه ای متمدن است که در آن انسانیت انسان، والاترین ارزش را داشته باشد و خصوصیات انسان در آن محترم شمرده شود.

چهارم: جامعه ای متمدن است که ارزش ها و اخلاق انسانی در آن برقرار شده باشد و این ارزش های اخلاقی در چنین جامعه ای نسبی نیستند.

پنجم: جامعه ای متمدن است که در آن اساس اجتماع بر پایه خانواده و این خانواده براساس تخصص زوجین در عمل بنا شده باشد.

ششم: به طور کلی جامعه ای متمدن است که انسان در آن به صورت صحیح، وظیفه خلیفه الهی خود را انجام دهد. (قطب، 1983، ص 118-138).

سید معتقد است که در پیشرفت و اختراعات مادی، تنها معنای تمدن نیست بلکه از دیدگاه اسلام، تقدم مادی و اخلاقی هر دو با هم معنای تمدن در اسلام است. پس از دیدگاه سید جامعه ای که متمدن باشد همان اجتماع اسلامی است و جامعه ای که متمدن نباشد، اجتماع جاهلی است. (سوزنگر، 1383، ص

102). نظر وی اجتماع جاهلی، اجتماعی است که تنها برای خداوند بندگی محض نمی کند. وی سپس نتیجه می گیرد که با این تعریف در حال حاضر تمامی اجتماع ها و حکومت های موجود همگی اجتماع جاهلی اند.

البته وی بیان می کند که در تعریف اجتماع جاهلی چه حکومت هایی می گنجد. براساس نظر وی تمامی اجتماع های کمونیستی، یهودی و نصرانی در این تعریف قرار دارد. زیرا آئین اعتقادی آنها تحریف شده است و در نهایت این که تمامی اجتماع هایی که ظاهراً مسلمان اند نیز جاهل اند زیرا تنها خدا را عبادت نمی کنند.

پس اسلام به عناوین توجه ندارد بلکه به واقعیت هر نظام و اجتماعی توجه می کند. پس اگر جامعه ای خصوصیات مذکور را داشته باشد، جامعه ای جاهلی به شمار می رود. هر چند اسم اسلام را بر خودش بگذارد (سید قطب، همان، ص 103-85).

بحران دیگری که در اندیشه سید قطب وجود داشت و جامعه اسلامی را به انحطاط می کشاند، استعمار-گران بودند. آمریکا، انگلیس،

فرانسه و دیگر کشورهای استعمارگر باعث آزار و شکنجه مسلمین شدند. به همین دلیل او معتقد است که هرگونه معاهده و همکاری با آنها نامشروع است و البته مردم مسلمان حق ندارند که در عمل نامشروعی با دولت همکاری کنند، بلکه باید به هر وسیله ای که مقدور باشد دولت را از ارتکاب هر عمل حرامی باز دارند

سید قطب در پاسخ به این پرسش که چرا اسلام تنها راه حکومت است، بیان می کند که :

1- تنها اسلام است که هم به فکر وطن خواهی و هم به فکر عدالت اجتماعی است و این دو فکر در یک جا تحقق می بخشد بدون آنکه معارض یکدیگر باشد .

2- تنها شریعت اسلامی قادر است که به شرایط زندگی امروزی جواب مثبت دهد و با پیشرفت و تجدد حیات بشری هماهنگ باشد. راهی که ما به سوی آن دعوت می کنیم تنها راهی است که ضامن زندگی شریف تر و گرانبھتری برای این امت است .

3- باید اسلام حکومت کند؛ زیرا اسلام یگانه عقیده مثبت و حیات دهنده است و در افقی بالاتر از مسیحیت و حکومت های کمونیستی قرار دارد، زیرا مسیحیت دوران خود را طی کرده است.

4- بالاخره اسلام باید حکومت کند؛ زیرا اسلام هم به ماهیت وارد بوده و هم به طبیعت زندگانی آشنا تر است. (سید قطب ، همان ، ص 56-58) شاهد ما این آیه قرآن است که ﴿171﴾؛ هرکس برخلاف آنچه فرستاده حکم کند، چنین کسی از کافران خواهد بود . نتیجه این که باید حکومتی باشد که پس از آن حکومت به قانون سازی و نظریه پردازی مشغول شود. سید در اثبات مدعی خود مثال جالبی می آورد و آن اینکه مسلمانان تا زمانی که در مکه بودند چون حکومتی نداشتند، خداوند قرآن را تدریجاً نازل می کرد . آیاتی برای حکومت و قانونگذاری و امور دیگر نازل نمی کرد اما زمانی که مسلمانان صاحب دولت شدند یعنی زمانی که در مدینه تشکیل حکومت دادند، آن زمان بود که آیاتی برای رفع مشکلات نظام اسلامی از طرف خداوند نازل شد؛ ﴿171﴾؛

(سوزنگر ، سیروس ، همان ، ص 205) .

نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی

از نظر سید قطب نقش مردم در نظام سیاسی اسلام (سید قطب شورا را نوع حکومت قطعی اسلامی می داند) این است : که مجریان شریعت را انتخاب کنند اما کسی که به اجرای قانون اقدام می کند قانون گذار نیست و تنها مجری است . او حق اقدام به اجرا از طریق انتخاب مردم را به دست می آورد ولی اطاعت از شخص او نیست ، بلکه اطاعت از شریعت خداست که وی به اجرای آن اقدام کرده است و در صورت تجاوز از شریعت خدا حق اطاعت بر مردم را ندارد. پس اگر اختلافی بر سر یکی از امور اجرایی پدید آمد حکم مسئله همان است که شریعت گفته است (سید قطب 1953: 16-17) .

وی در جای دیگر ویژگی نظام های الهی را بر می شمارد و به عدم انحصار حکومت به دست گروه و اشخاص معین و برابری مردم در حقوق اشاره می کنند: ما نظامی فرا می خوانیم که در آن حاکمیت تنها از آن خداست و به این ترتیب برای فردی از بشر وظیفه و جماعتی معین برابری حقیقی برقرار نمی شود . در چنین حکومتی حاکم، حقوقی فزون تر بر حقوق فرد عادی مردم، شخصیتی بالاتر از سطح قانون، محکمه های ویژه ای برای مردم و محکمه های ویژه ای برای وزیران یا غیر وزیران وجود نخواهد داشت . در چنین نظامی حاکم کل با هر کدام از افراد مردم در برابر دستگاه قضایی بدون تبعیض و برتری خواهد ایستاد. ما به نظامی فرا می خوانیم که همه شهروندان را از حق عمومی ، ثروت های عمومی برخوردار کند، زیرا مالک اصلی این ثروت جماعت (جامعه) است که به جانشینی خدا مالک آن شده است . (همان ، 80)

سید قطب ﴿171﴾؛ مرد اندیشه بود و کوشید اندیشه سیاسی خویش را در مصر به اجرا در آورد ، زیرا معتقد بود در جامعه ای که دولت اسلامی ندارد ، به اسلام عمل نمی گردد، حدود و دستورات اسلام نادیده گرفته می شود و با عقیده مسلمانان واقعی مخالفت می گردد . چنین جامعه ای جاهل و دارالحرب است .

راه کارهای عملی سید قطب

سید با شناخت و درکی که از اسلام دارد ، راه مبارزه و جهاد را مطرح می کند. او معتقد است اصولاً اسلام بر اساس و جوهر خود، جنبش آزادی بخشی است که نخست دل افراد و سپس اجتماعات بشری را اصلاح و آزاد می سازد. از نظر سید قطب امکان ندارد که مردم اسلام را به عنوان عقیده و طریق بپذیرند ولی ظلم و ستم و جنایت را هرچند در قالب قانون و نظام باشد، قبول کنند. مبارزه و جهادی که سید قطب مطرح می کند برای تغییر وضع موجود، جنبه اصلاحی به معنای خاص کلمه ندارد، بلکه این جهاد باید قبل از بنای جامعه مطلوب اسلامی به دگرگونی جوامع بپردازد. او در کتاب ﴿171﴾؛ معالم فی الطريق؛ می کوشد طرح خود را مطابق با الگوی پیامبر اسلام (ص) در تبدیل تغییر جامعه جاهلی به جامعه اسلامی و گسترش آن بازسازی نماید. به اعتقاد او باید

ابتدا یک پیشتاز پیدا شود تا رستاخیز کشورهای اسلامی را به ضرورت تبدیل کند و به دنبال آن دیر یا زود جهان به زیر سیطره اسلام در خواهد آمد. سید قطب دو مرحله را از تولد پیشتاز تا استقرار جامعه اسلامی مشخص می نماید . مرحله اول، بلوغ معنوی است که ضمن آن پیشتاز و افراد مؤمن پیرامون او با تمرکز بر قرآن نفوذ و تاثیر جاهلیت را از روح خود می زدایند و مرحله دوم، مرحله نبرد علیه این جامعه جاهلی است. مفهوم جهاد، تمامی این جریان را از تلاش فردی گرفته تا تفکر درباره قرآن و مبارزه مسلحانه در بر می گیرد . (مختاری ، رسالت ، 1383/8/19) (سید قطب پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی).

منابع:

صلاح الدین عبدالفتاح خالدی ، سید قطب از ولادت تا شهادت ، ترجمه جلیل بهرامی نبا، نشر احسان ، تهران 1381

کمال حاج سید جوادی ، اخوان المسلمین مصر در امتحان تاریخ

سید صادق حقیقت ، روششناسی علوم سیاسی ، قم دانشگاه مفید 1387

سید قطب ، آینده در قلمرو اسلام ، ترجمه سید علی خانه ای ، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی 1369

سید قطب ، اسلام و صلح جهانی ترجمه سید هادی خسرو شاهی و زین العابدین قربانی تهران دفتر نشر و فرهنگ 1368

سید قطب ، عدالت اجتماعی در اسلام ، ترجمه سید هادی خسرو شاهی و محمد علی گرامی تهران ، کلبه شروق 1379

بی نام ، سید قطب ، مجاهدت برای اتحاد ، نشریه منادیان وحدت ویژه نامه سال انسجام ملی و انسجام اسلامی 1386

مجید مرادی ، تقدیر گفتمان سید قطب ، نشریه علوم سیاسی شماره 2، 1382

سید قطب ، ما چه می گویم ، ترجمه سید هادی خسروشاهی نشر فرهنگ اسلامی 1370

سید قطب ، معالم فی الطريق ، بیروت قاهره دارالشرق 1983

حمزه نجاتی آرانی ، سید قطب و حرکت به سوی حکومت اسلامی با اندیشه جهادی ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

دکتر رشید رکابیان